

شناسایی الزامات قانونی و موانع تحقق سیاستهای اقتصاد مقاومتی در شبکه بانکی کشور

سیده فاطمه معافی^۱، آرش نایب یزدی^۲، علی کاشمری^۳

^۱ بانک ملت، مرکز تحقیقات استراتژیک

^۲ بانک ملت، مرکز تحقیقات استراتژیک

^۳ وزارت امور اقتصادی و دارایی، اداره کل امور اقتصادی و دارایی استان تهران

نویسنده مسئول:

علی کاشمری

چکیده

مقاله حاضر، به بررسی نقش و جایگاه صنعت بانکداری در تحقق اهداف سیاستهای اقتصاد مقاومتی و همچنین شناسایی موانع و الزامات قانونی پیادهسازی مطلوب سیاستهای مذکور در نظام بانکی کشور میپردازد. بانکها به عنوان منبع مهم تامین مالی کشور، از نقشی موثر در تحقق سیاستهای اقتصاد مقاومتی برخوردار میباشند و تحقق اهداف مدنظر آن، بدون مشارکت موثر بانکها امکانپذیر نخواهد بود. ولی باوجود نقش مهم صنعت بانکداری در تحقق سیاستهای مذکور، وجود برخی موانع قانونی و ساختاریافته، مانع از پیادهسازی مطلوب اهداف مدنظر آن در شبکه بانکی شده است. به عبارت دیگر پیادهسازی کارای سیاستهای مذکور نیازمند برخورداری از برخی الزامات در حوزههای مختلف عملیاتی و تصمیمگیری بانکها میباشد.

در این مقاله از روشهای کتابخانهای و مصاحبه ساختاریافته با کارشناسان حوزههای کلیدی و عملیاتی بانک ملت به شناسایی عوامل موثر فوق اقدام شده است. نتیجه بررسیها نشان میدهد که بانکها از نقش مستقیم و غیرمستقیم در پیادهسازی اقتصاد مقاومتی برخوردار بوده و عملکرد مناسب آنها در این حوزه، نیازمند بازنگری و اصلاح برخی قوانین و یا لزوم برخی تغییرات زیرساختی در حوزههای بین المللی، سرمایهگذاری، اعتباری و نظارت و بازرسی می باشد.

کلمات کلیدی: اقتصاد مقاومتی، صنعت بانکداری، موانع، الزامات.

مقدمه

مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در اسفند ماه سال ۹۲، سیاست‌های ۲۴ گانه اقتصاد مقاومتی^۱ را بر اساس بند یک اصل ۱۱۰ قانون اساسی مبنی بر تعیین سیاست‌های کلی نظام جمهوری اسلامی ایران، به اقتصاد کشور معرفی نمودند که نویدگر حرکتی جدید و تدبیری اثربخش در تقویت و مقاوم‌سازی بنیان‌های اقتصاد ملی و بارورسازی آن در سال‌های پیش رو است. اجرای صحیح بندهای ابلاغی سیاست‌های مذکور هم‌راستا با مفاد اصل ۴۳م قانون اساسی کشور مبنی بر تأمین شرایط و امکانات کار برای همه به منظور رسیدن به اشتغال کامل^۲ (بند ۱ اصل ۴۳)، استفاده از علوم و فنون و تربیت افراد ماهر به نسبت احتیاج برای توسعه و پیشرفت اقتصاد کشور^۳ (بند ۷ اصل ۴۳)، جلوگیری از سلطه اقتصادی بیگانه بر اقتصاد کشور^۴ (بند ۸ اصل ۴۳) و تأکید بر افزایش تولیدات کشاورزی، دامی و صنعتی که نیازهای عمومی را تأمین کند و کشور را به مرحله خودکفایی برساند و از وابستگی برهاند^۵ (بند نهم اصل ۴۳)، منتج به دستیابی به خودکفایی اقتصادی کشور و برقراری عدالت اقتصادی برای اقشار ضعیف جامعه خواهد شد.

علاوه بر آن مطابق با اصل ۴۴ قانون اساسی، محدودسازی اقتصاد دولتی و کاهش میزان دخالت دولت در اقتصاد کشور و تسهیل خصوصی‌سازی یکی از محورهای اقتصاد مقاومتی است. اقتصاد مقاومتی فعال و پویا نیازمند برنامه‌ریزی استراتژیک و راهبردی، مبتنی بر مردمی‌کردن اقتصاد از طریق میدان دادن بیش‌تر به فعالان بخش خصوصی و رفع موانع و مشکلات این بخش می‌باشد. بخش خصوصی به عنوان موتور و محرک اصلی رشد اقتصادی و صنعتی است که با به‌کارگیری سرمایه خود و جذب و مشارکت سرمایه‌های غیردولتی، استفاده بهینه از منابع انسانی و اعمال مدیریت کارآمد، ضمن ایفاء نقش خود در رشد اقتصادی و صنعتی کشور، می‌تواند اهداف توسعه‌ای دولت را محقق نماید.

در جلسه معرفی مجموعه سیاست‌های مذکور، در بخشی از سخنان معظم‌له آمده است که "مجموعه سیاست‌های اقتصاد مقاومتی در واقع یک الگوی بومی و علمی است که برآمده از فرهنگ انقلابی و اسلامی ما و متناسب با وضعیت امروز و فردای کشور است. این یک تدبیر بلندمدت برای اقتصاد کشور است که می‌تواند اهداف نظام جمهوری اسلامی را در زمینه مسائل اقتصادی برآورده کند، مشکلات را برطرف کند، در عین حال پویا هم هست، قابل انطباق با شرایط گوناگونی است که ممکن است در هر برهه‌ای از زمان آمده و عملاً اقتصاد کشور را به حالت انعطاف‌پذیری برساند (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۲)."

همان‌گونه که از سخنان مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) مشخص است؛ سیاست‌های مذکور ضمن پوشش بخش‌های مختلف اقتصادی، دربرگیرنده راهکارهایی برای توسعه پایدار تمامی اقشار و صنایع کشور در بلندمدت می‌باشد. سیاست‌های مذکور ماهیتی فرا زمانی داشته و منوط به شرایط اقتصادی تحریم یا پساتحریم نمی‌باشد. به‌طوری‌که مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) خواستار تنظیم برنامه ششم توسعه اقتصادی کشور براساس سیاست‌های اقتصاد مقاومتی و ارائه برنامه‌های عملیاتی توسط تمامی دستگاه‌های اجرایی کشور جهت تحقق آن شدند.

بدیهی است اجرایی‌سازی اقتصاد مقاومتی بدون در نظر گرفتن سهم ۸۹ درصدی بازار پول (سیف، ۱۳۹۳) در تأمین منابع مالی اقتصاد کشور امکان‌پذیر نمی‌باشد. لذا با توجه به جایگاه کلیدی صنعت بانکداری در اقتصاد ایران، مطابق با فرمان مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) بانک‌ها نیز باید برخورداری از برنامه اجرایی جهت تحقق اقتصاد مقاومتی را در دستور کار خود قرار دهند و عملکرد مثبتی را در این حوزه به ثبت رسانند؛ ولی در عین حال باید توجه داشت که علی‌رغم تمامی انتظارات موجود از شبکه بانکی، بنا بر نظر فعالان و صاحب‌نظران این حوزه، بعضاً وجود برخی موانع و محدودیت‌های قانونی و ساختاریافته در سیستم اقتصادی و نظارتی کشور، به نوعی تحریمی خود خواسته بر عملکرد و فعالیت بانک‌ها ایجاد نموده است و در پاره‌ای موارد مانند سدی در راه تحقق سیاست‌های مذکور عمل می‌نماید. برای درک بهتر این موضوع، در مقاله پیش‌رو ابتدا به نقشی که صنعت بانکداری می‌تواند در جهت تحقق سیاست‌های اقتصاد مقاومتی بر عهده گیرد؛ اشاره خواهد شد و در ادامه به شناسایی الزامات و محدودیت‌های قانونی و ساختاری موجود در مسیر تحقق و پیاده‌سازی سیاست‌های اقتصاد مقاومتی در بانک‌ها پرداخته می‌شود.

۱- جایگاه صنعت بانکداری در تحقق سیاست‌های اقتصاد مقاومتی

شبکه بانکی به عنوان یکی از ارکان اصلی اقتصاد کشور، نقش بی‌بدیلی در تحقق سیاست‌های اقتصاد مقاومتی ایفا می‌نماید؛ بر طبق بررسی‌های انجام‌شده، در سیاست‌های مذکور هم به‌طور مستقیم و هم به‌طور غیرمستقیم برای صنعت بانکداری جایگاهی در نظر گرفته شده است که در ادامه به بررسی نقش‌های مستقیم و غیرمستقیم بانک‌ها در تحقق سیاست‌ها اقتصاد مقاومتی اشاره می‌گردد:

۱-۱ نقش مستقیم بانک‌ها در تحقق سیاست‌های اقتصاد مقاومتی

تحقق سیاست‌های اقتصاد مقاومتی در گرو مشارکت فعال و موثر صنعت بانکداری می‌باشد. اهمیت صنعت بانکداری تا جاییست که در بندهای نهم و نوزدهم سیاست‌های ابلاغی اقتصاد مقاومتی صراحتاً برای این نهاد مهم جایگاهی در نظر گرفته شده است. بند نهم سیاست‌های مذکور به "اصلاح و تقویت همه جانبه نظام مالی کشور با هدف پاسخ‌گویی به نیازهای اقتصاد ملی، ایجاد ثبات در اقتصاد ملی و پیشگامی در تقویت بخش واقعی" اشاره می‌نماید. اهداف در برگیرنده این بند را می‌توان به الف- اصلاح و تقویت همه جانبه نظام مالی کشور با هدف ایجاد ثبات در اقتصاد ملی و ب- اصلاح و تقویت همه جانبه نظام مالی کشور با هدف پاسخ‌گویی به نیازهای اقتصاد ملی و پیشگامی در تقویت بخش واقعی تقسیم نمود.

اولین هدف دربرگیرنده این بند، اصلاح و تقویت همه جانبه نظام مالی کشور جهت برقراری ثبات در اقتصاد ملی می‌باشد. ثبات در اقتصاد ملی از طریق افزایش تاب‌آوری آن در مقابل شوک‌ها و تکان‌های وارده امکان‌پذیر می‌باشد، یک نظام زمانی تاب‌آوری دارد که بتواند مخاطرات موقت یا دائم را جذب کند و خود را با موقعیت‌های به سرعت در حال تغییر انطباق دهد، بدون این‌که دچار بی‌ثباتی شود (غیاثوند، ۱۳۹۴: ۱۶۱). بسیاری از بحران‌های مالی جهان از جمله بحران جهانی سال ۲۰۰۸، از بروز بحران در سیستم بانکی نشأت گرفته و بعد از آن به بخش‌های مختلف اقتصاد تسری یافته است. لذا برقراری ثبات در سیستم بانکی و افزایش تاب‌آوری آن، یکی از پیش‌شرط‌های دستیابی به ثبات در اقتصاد است که با توجه سهم بالای بازار پول در کشور ما، این مساله از اهمیت دوچندان برخوردار می‌گردد. از سویی، ذات حرفه بانکداری به علت ویژگی‌های خاص خود همواره مستعد دریافت بی‌ثباتی و ریسک‌ها و در درجات بالاتر بحران‌ها می‌باشد (بهشتی لنگرودی، ۱۳۹۱) که تاثیر خود را در دارایی، وام‌دهی و به‌طور کلی عملکرد بانک‌ها منعکس می‌نماید. به عبارت دیگر، با توجه به تغییرات مداوم در عوامل محیطی و سیستم‌های اقتصادی، ریسک‌های مختلفی بر ساختار مالی مؤسسات اثر می‌گذارند که در این میان نهادهای مالی و بانک‌ها با توجه به حوزه عملکرد خود، با ریسک‌های بیش‌تری مواجه می‌شوند.

بنابراین یک بانک زمانی از تاب‌آوری برخوردار می‌باشد که زمینه‌های بروز ریسک و خطر در سیستم خود را شناسایی و با اقدامات پیشگیرانه از بروز آن‌ها جلوگیری نماید و در صورت وقوع شرایط مخاطره‌آمیز و پر ریسک، با اقدام به موقع، قابلیت مدیریت سریع و کنترل شرایط به وجود آمده را داشته باشد به‌طوری‌که از بروز بحران و تسری آن به سایر بخش‌های اقتصادی جلوگیری نماید.

دومین هدف دربرگیرنده این بند، اصلاح و تقویت همه جانبه نظام مالی کشور جهت پاسخ‌گویی به نیازهای اقتصاد ملی و پیشگامی در تقویت بخش واقعی می‌باشد. با توجه به این‌که در حال حاضر، دستیابی به منابع مالی، اصلی‌ترین نیاز فعالیت‌های اقتصادی و تولیدی کشور بوده و بانک‌ها نقش غیرقابل انکاری را در تامین آن ایفا می‌نمایند؛ لذا ضروری است اصلاحات ساختاری نظام بانکی به‌گونه‌ای صورت پذیرد که این هدف مهم قابل تحقق باشد.

بدین ترتیب وظایف در نظر گرفته شده برای بانک‌ها در بند نهم سیاست‌های ابلاغی اقتصاد مقاومتی عبارت است از:

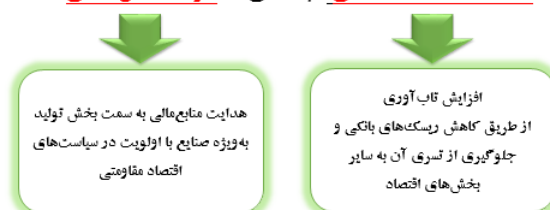
الف: بانک‌ها از طریق کاهش ریسک‌هایی که در معرض آن می‌باشند، تاب‌آوری خود را در مقابل شوک‌ها افزایش داده و از تسری آن به سایر بخش‌های اقتصاد جلوگیری نمایند. بدین ترتیب به ایجاد ثبات در اقتصاد ملی یاری رسانند.

ب: از سوی دیگر بانک‌ها از طریق هدایت منابع مالی به سمت بخش تولید و به ویژه آن دسته از صنایعی که در بندهای سیاست اقتصاد مقاومتی مورد تاکید قرار گرفته‌اند؛ موجبات تقویت بخش واقعی اقتصاد را فراهم آورند.

تصویر شماره ۱: بند نهم سیاست‌های اقتصاد مقاومتی

"اصلاح و تقویت همه جانبه نظام مالی کشور با هدف پاسخ‌گویی به نیازهای اقتصاد ملی،

ایجاد ثبات در اقتصاد ملی و پیشگامی در تقویت بخش واقعی"



بند نوزدهم سیاست‌های اقتصاد مقاومتی نیز به "شفاف‌سازی اقتصاد و سالم‌سازی آن و جلوگیری از اقدامات، فعالیت‌ها و زمینه‌های فسادزا در حوزه‌های پولی، تجاری، ارزی و ..." اشاره می‌نماید. امروزه اهمیت شفافیت در حوزه‌های مختلف، در جلوگیری از فساد و اصلاح روابط اقتصادی و سیاسی بر کسی پوشیده نیست. شفافیت، هزینه‌های معاملاتی را کاهش داده و موجب بهبود روابط اقتصادی می‌گردد. یکی از حوزه‌های بسیار مهم در شفافیت اقتصادی و مالی، شفافیت در حوزه بانکی است. بدین منظور، حفظ سلامت و ثبات بانک‌ها و همچنین نقش مهم آن‌ها در هدایت اقتصاد کشور، نیازمند شفافیت مناسب در بانک‌ها می‌باشد؛ زیرا شفافیت ضعیف، ریسک دارایی بانک‌ها را با ابهام روبرو می‌سازد. بدون شفافیت مالی، پاسخ‌گویی بانک‌ها به شدت محدود خواهد شد (نجفی علمی، ۱۳۹۴).

بدین‌منظور، مقام‌های قانون‌گذار و ناظر، در بسیاری از کشورها، از مدت‌ها پیش با تصویب مقررات مختلف، در صدد تحقق هرچه بیش‌تر این مهم بوده‌اند. در کشور ما نیز اهمیت این مساله تا حدی است که مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در این بند از سیاست‌های ۲۴گانه اقتصاد مقاومتی، صراحتاً به الزام شفاف‌سازی اقتصاد و سالم‌سازی آن و جلوگیری از اقدامات، فعالیت‌ها و زمینه‌های فسادزا در حوزه‌های پولی، تجاری، ارزی و ... اشاره نموده‌اند.

در نتیجه وظیفه درنظرگرفته شده برای بانک‌ها در بند نوزدهم سیاست‌های ابلاغی اقتصاد مقاومتی عبارت است از: "بانک‌ها از طریق شفاف‌سازی فرآیندهای ارائه خدمات بانکی و رعایت قوانینی مانند مبارزه با پولشویی و نظارت دقیق بر نحوه عملکرد شعب و پرسنل خود، مانع از بروز زمینه‌های فسادزای مالی و هرگونه سوءاستفاده احتمالی گردند و بدین ترتیب از انحراف منابع مالی که می‌تواند صرف کارآفرینی و تامین منابع مورد نیاز صنایع و فعالیت‌های اقتصادی کشور گردد به سمت سفته‌بازی و ... جلوگیری نمایند." (تصویر ۲).

تصویر شماره ۲: بند نوزدهم سیاست‌های اقتصاد مقاومتی

"شفاف‌سازی اقتصاد و سالم‌سازی آن و جلوگیری از اقدامات، فعالیت‌ها و

زمینه‌های فسادزا در حوزه‌های پولی، تجاری، ارزی و ..."



از طریق شفاف‌سازی فرآیندهای ارائه خدمات بانکی
رعایت قوانینی مانند مبارزه با پولشویی
نظارت دقیق بر نحوه عملکرد شعب و پرسنل خود

12

۲-۱- نقش غیرمستقیم بانک‌ها در تحقق سیاست‌های اقتصاد مقاومتی

علاوه بر اشارات مستقیمی که در دوبند مذکور به نقش بانک‌ها در تحقق اقتصاد مقاومتی وجود داشت و برداشت‌هایی که از آن‌ها انجام شد؛ تحقق سایر بندهای ۲۴ گانه سیاست‌های مذکور نیز بدون کمک و یاری‌رسانی بانک‌ها امکان‌پذیر نمی‌باشند و تا حدود زیادی در گرو نقش تامین مالی‌گری این نهاد مالی می‌باشد. از جمله اقداماتی که بانک‌ها در جهت تحقق اهداف مندرج در سایر بندهای می‌توانند انجام دهند؛ عبارت است از:

- رفع چالش‌های اشتغال و توسعه کارآفرینی با تاکید بر اعطای تسهیلات به اقشار آسیب‌پذیر (بند ۱)،
- حمایت مالی از صنایع دانش بنیان (بند ۲)،
- تامین مالی آن دسته از فعالیت‌های تولیدی که در آن استان و منطقه کشور از مزیت نسبی برخوردار می‌باشند (بند ۳)،
- حمایت مالی از پروژه‌هایی که محصول تولید شده آن منجر به کاهش شدت مصرف انرژی گردد (بند ۴)،
- حمایت و تامین مالی از تولید اقلام اساسی جایگزین واردات (بند ۶)،
- حمایت مالی و سرمایه‌گذاری در بخش تولید دارو یا مواد غذایی (بند ۷)،
- تصحیح سیاست‌های بازرگانی از طریق حمایت از صادرات چه در قالب اعطای تسهیلات به صنایع صادرات محور و چه به صورت ارائه خدمات ارزی مانند بروات ارزی و اعتبارات اسنادی (بند ۱۰)،
- تامین مالی پروژه‌های انجام شده در مناطق آزاد اقتصادی (بند ۱۱)،
- تامین مالی و انجام خدمات بانکی مورد نیاز صنایع زیرساختی مانند نفت و گاز (بند ۱۴)،
- حمایت مالی از تولید صنایع با ارزش افزوده بالا مانند صنایع پالایشگاهی و پتروشیمی به‌منظور تکمیل زنجیره ارزش صنعت نفت و گاز (بند ۱۵).

به عبارت دیگر به علت سهم بالای بازار پول در تامین منابع مالی مورد نیاز اقتصاد کشور، دستیابی کامل به اهداف سیاست‌های ابلاغی اقتصاد مقاومتی بدون همکاری همه‌جانبه بانک‌ها قابل تصور نمی‌باشد. لذا انتظار بر این است بانک‌ها نیز برخورداری از برنامه اجرایی جهت تحقق اقتصاد مقاومتی را در دستور کار خود قرار دهند و به تحقق سیاست‌های اقتصاد مقاومتی یاری رسانند؛ ولی در عین حال، باید توجه داشت وجود برخی موانع و محدودیت‌های قانونی و ساختاریافته در سیستم اقتصادی و نظارتی کشور، به نوعی مانع از عملکرد مناسب بانک‌ها در زمینه پیاده‌سازی اقتصاد مقاومتی می‌گردد؛ که در ادامه این مقاله به بحث و بررسی آن‌ها پرداخته‌ایم. موانع و الزامات مذکور پس از برگزاری نشست‌های تخصصی با کارشناسان مرتبط در سه بخش ذیل دسته بندی و ارائه شده است:

الف- موانع اجرای سیاست‌های اقتصاد مقاومتی در بانک‌ها از منظر کارشناسان حوزه بین‌الملل

ب- موانع اجرای سیاست‌های اقتصاد مقاومتی در بانک‌ها از منظر کارشناسان حوزه سرمایه‌گذاری

ج- موانع و محدودیت‌های اجرای سیاست‌های اقتصاد مقاومتی در بانک‌ها از منظر کارشناسان حوزه برنامه‌ریزی و نظارت اعتباری

۲- موانع اجرای سیاست‌های اقتصاد مقاومتی در بانک‌ها از منظر کارشناسان حوزه بین‌الملل

با توجه به بند نهم و نوزدهم سیاست‌های اقتصاد مقاومتی، مسئولیت عظیمی بر دوش بانک‌ها به عنوان رکن اصلی حمایت از اقتصاد و صنعت سنگینی می‌نماید که زمینه‌سازی شرایط برای بازگشت صنعت بانکداری کشور به بازارهای بین‌المللی و کسب جایگاه قابل قبول در جذب منابع مورد نیاز و سرمایه‌گذاری‌های مشترک خارجی در طرح‌های جامع عمرانی و توسعه‌ای کشور، یکی از اقدامات قابل تصور بانک‌ها در این زمینه می‌باشد.

یکی از اساسی‌ترین بخش‌های نظام مالی (بازارهای پول و سرمایه)، تعاملات ارزی است که به واسطه برقراری روابط تجاری و بازرگانی با سایر کشورها ایجاد می‌شود. رشد و توسعه این حوزه از اقتصاد کشور، منوط به برخورداری از امکانات و زیرساخت‌های مناسب و همچنین وجود قوانین کارآمد پشتیبان در این مورد است. تا آنجایی که در بند ۱۰ سیاست‌های ابلاغی اقتصاد مقاومتی صراحتاً بر حمایت همه جانبه هدفمند از صادرات کالاها و خدمات به تناسب ارزش افزوده و با خالص ارز آوری مثبت از طریق تسهیل مقررات و گسترش مشوق‌های لازم و استفاده از سازوکار مبادلات تهاتری برای تسهیل مبادلات در صورت نیاز تاکید شده است.

اما علی‌رغم وجود الزامات زیرساختی و مقرراتی مطرح در این حوزه جهت توسعه خدمات ارزی و بین‌المللی بانک‌ها، وجود برخی کاستی‌ها و یا بعضاً محدودیت‌های قانونی و اجرایی در این مورد، موجب بروز موانعی در اجرا و تحقق رویکردها و برنامه‌های مطرح در حوزه بین‌الملل بانک‌ها در راستای تقویت نظام بانکی کشور خواهد شد. بر طبق بررسی‌های میدانی به عمل آمده، مهم‌ترین موانع و کاستی‌هایی که در این رابطه وجود دارد، عبارتند از:

۲-۱- اعمال تحریم‌های یک‌سویه علیه سیستم بانکی کشور

- محدودیت‌های ناشی از اعمال تحریم‌های یک‌سویه علیه بانک‌های کشور، مشکلات متعددی را برای بانک‌ها در حوزه فعالیت‌های ارزی و بین‌الملل آن‌ها به وجود آورده بود. از جمله این مشکلات می‌توان به کند شدن روند انجام فعالیت‌های بانکی ارزی، عدم امکان انتقال و تامین ارز مورد نیاز مشتریان و امتناع از پرداخت وجوه به مشتریان در خارج از کشور و بلوکه کردن حساب آنان (به ویژه مشتریان بخش انرژی) اشاره نمود. این موضوع به همراه برخی عوامل دیگر، از قبیل بحث مطالبات غیرجاری، در نهایت منجر به تضعیف بنیه مالی سیستم بانکی گشته بود که امید است با توجه به برجام و رفع تحریم‌های سیستم بانکی، زمینه‌های برطرف شدن کامل این مشکلات مهیا گردد.

- از دیگر اثرات اعمال تحریم‌ها می‌توان به دور شدن از محیط بانکداری بین‌المللی و کاهش امکان ارائه خدمات متنوع در حوزه ارزی و بین‌المللی اشاره نمود. لذا کاهش توجه و تمرکز بر این حوزه از بانکداری، منجر به بی‌توجهی بانک‌ها به بانکداری بین‌المللی و ارائه خدمات ارزی شده و این امر موجب کاهش نیروهای متخصص با مهارت و مسلط بر حوزه خدمات ارزی و بین‌المللی شده است. همزمان با توافق جامع بر سر برنامه هسته‌ای ایران (برجام) و به دنبال آن لغو تحریم‌ها، پل اتصالی بانک‌ها با نظام جهانی در حالت اتصال است. پس از سال‌ها محدودیت، ایران می‌تواند ارتباطات بانکی خود را با دیگر کشورهای جهان بازیابی کند و رفع تحریم‌های بین‌المللی فرصت‌های مناسبی را در اختیار شبکه بانکی کشور خواهد گذاشت. کاهش هزینه مبادلات خارجی و توسعه روابط کارگزاری، کاهش بدهی‌ها و مطالبات بانکی، افزایش سودآوری، امکان جذب سرمایه‌گذاری خارجی در بخش بانکی، تقویت منابع مالی، ورود فناوری‌های نوین بانکی به واسطه امکان برقراری تعامل دوسویه و مستمر با سایر بانک‌های جهان، از جمله فرصت‌های پیش روی نظام بانکی در پستاتحریم است. جهت بهره‌برداری از فرصت‌های پیش رو ضرورت تربیت نیروهای متخصص و مسلط با شرایط روز بانکداری بین‌الملل ضروری احساس می‌شود.

۲-۲- افزایش نرخ ارز و تبعات منفی آن بر عملکرد بازارهای مالی

- افزایش بی سابقه نرخ ارز در سال های اخیر و نوسانات متوالی آن از جمله اساسی ترین مشکلات بازارهای مالی کشور به شمار می آید. وجود بازارهای رسمی و غیررسمی ارز در کشور و قدرت یافتن دلالتان و واسطه ها در این مورد، شدت اثر این مشکل را افزایش می دهد. همچنین وجود تفاوت در نرخ های خرید و فروش ارز، کنترل این بازار و تحولات آن را دشوار و یکسان سازی نرخ ارز را تا حدودی غیرممکن ساخته است.
- از دیگر اثرات افزایش نرخ ارز، افزایش مطالبات معوق ارزی بانک ها است؛ لذا با در نظر گرفتن شرایط رکودی اقتصاد، این عامل موجب تشدید رکود اقتصادی می شود.
- از دیگر مشکلاتی که در اثر افزایش نرخ ارز در سیستم بانکی و کیفیت و کمیت خدمات ارزی بانک های کشور ایجاد شده است، بدهی های بانک مرکزی به سیستم بانکی بابت تعهدات ارزی گذشته بانک ها، عدم تامین تفاوت نرخ ارز توسط دولت تاکنون و در نتیجه عدم امکان تخصیص ارز از سوی بانک مرکزی بابت این دسته از تعهدات، می باشد که علاوه بر ایجاد نارضایتی در مشتریان، باعث ایجاد مشکلات عدیده برای سیستم بانکی گردیده است.

۲-۳- وجود محدودیت ها و کاستی های قانونی در حوزه خدمات ارزی بانک ها

- یکی از اصلی ترین موانعی در حوزه ارزی بانک ها، وجود قوانین و مقررات دست و پا گیر است. دست و پا گیر بودن برخی از قوانین و مقررات، دستورالعمل ها و مجموعه مقررات ارزی بانک مرکزی و همچنین لزوم انجام مکاتبات متعدد بابت موارد مشابه خدمات بانکی ارزی با مراجع خارج از بانک از جمله بانک مرکزی، روند اجرای فرآیندهای ارزی را کند ساخته است.
- از دیگر مشکلات موجود در این سرفصل، عدم هماهنگی کامل سازمان های ذیربط (از جمله گمرک ج.ا.ا، بانک مرکزی ج.ا.ا، سازمان ملی استاندارد و ...) در رابطه با خدمات ارزی بانک ها و بعضاً عدم امکان پیاده سازی طرح ها، مقررات و راهکارهای پیشنهادی به دلیل وجود ابهام و یا برخی تعارضات موجود در دستورالعمل های جدید با دستورالعمل های قبلی است.
- وجود برخی محدودیت های قانونی در مقررات ارزی بانک مرکزی در خصوص تعیین سقف مجاز اعطای تسهیلات، موجب شده است در حال حاضر علیرغم تکافوی منابع ارزی داخلی بانک، امکان حداکثر استفاده از این منابع جهت ارائه تسهیلات به مشتریان وجود نداشته باشد.
- از دیگر مشکلاتی که در این رابطه وجود دارد، تغییر مکرر دستورالعمل ها و مقررات بانک مرکزی در دوره های گذشته است که منجر به پیشرفت کند زیرساخت های تسهیلات ارزی در سامانه بانکداری متمرکز ارزی شده و سبب بروز مشکل در بررسی ها و ارایه گزارش به مراجع متقاضی آمار و افزایش میزان خطاهای کاربری شده است. این موضوع در نهایت نارضایتی مشتریان را به همراه داشته است.

۳- موانع اجرای سیاست های اقتصاد مقاومتی در بانک ها از منظر کارشناسان حوزه سرمایه گذاری^۷

بانک ها علاوه بر اعطای تسهیلات به مشتریان حقیقی و حقوقی خود، می توانند نقش های دیگری نیز در تأمین مالی پروژه ها و طرح های متفاوت داشته باشند. به عبارت دیگر بانک ها علاوه بر تسریع و تسهیل در تأمین مالی پروژه ها و شرکت ها، می توانند با مد نظر قراردادن قوانین و مقررات مربوطه، مستقیماً وارد طرح های سرمایه گذاری شده و ضمن گسترش حوزه فعالیت خود، با استفاده از فرصت های سرمایه گذاری متفاوت، تحقق سیاست های اقتصاد مقاومتی را تسریع بخشند. این نوع سرمایه گذاری های مستقیم می تواند دربرگیرنده سرمایه گذاری در پروژه های عمرانی و زیربنایی، صنایع غذایی و دارویی، صنایع دانش بنیان و ... گردد.

اما بانک ها در این حوزه نیز با مجموعه ای از محدودیت ها مواجه می باشند که عملاً مشکلاتی را در بهبود عملکرد آن ها ایجاد می نماید. در این بخش از گزارش به بررسی مهم ترین موانع و کاستی های حوزه سرمایه گذاری بانک ها می پردازیم.

۳-۱- وجود محدودیت های قانونی در میزان سرمایه گذاری بانک ها از جانب بانک مرکزی

از جمله محدودیت های قانونی در این رابطه می توان به قانون رفع موانع تولید رقابت پذیر اشاره نمود. در این قانون میزان سرمایه گذاری بانک ها حداکثر می تواند معادل ۴۰ درصد از سرمایه پایه آن ها باشد. این در حالی است که حوزه اختیارات بانک ها جهت تأمین مالی مشتریان، در حوزه اعتباری بسیار گسترده تر است و در واقع سقفی برای این نوع خدمت بانکی وجود ندارد.

اهمیت این مساله زمانی مشخص می گردد که بدانیم در بند ۲ سیاست های ابلاغی اقتصاد مقاومتی بر پیشسازی اقتصاد دانش بنیان و افزایش سهم تولید و صادرات محصولات و خدمات دانش بنیان و دستیابی به رتبه اول اقتصاد دانش بنیان در منطقه تاکید فراوانی شده است. از آنجایی که سرمایه گذاری در پروژه های دانش بنیان از نوع سرمایه گذاری مخاطره آمیز با ریسک بالا بوده و پیشنهاددهندگان آن

معمولاً قادر به ارائه وثایق اعتباری قابل قبول در مقابل دریافت تسهیلات دریافتی نمی باشند؛ تمایل اندکی به تامین مالی این نوع پروژه ها از سوی بخش خصوصی و بانک ها وجود دارد. ولی بانک ها می توانند با ورود به این حوزه علاوه بر اعطای طرح های تسهیلاتی از طریق سرمایه گذاری مستقیم به ایفای نقش بپردازند.

منع بانک ها از بنگاه داری و ورود به حوزه های مختلف اقتصادی در قالب سرمایه گذاری مستقیم از دیگر محدودیت های قانونی این حوزه است. به طوری که با توجه به مفاد این قانون عملاً ورود بانک ها به حوزه سرمایه گذاری غیرممکن به نظر می رسد. اما در صورت رفع موانع و مشکلات این حوزه نظیر وجود مخاطرات فراوان، تحت تأثیر قرار گرفتن میزان سودآوری، فقدان حداقل های لازم جهت توجیهات در حوزه سرمایه گذاری، دشواری اخذ مجوزهای لازم از بانک مرکزی و فقدان استراتژی مشخصی از جانب بانک مرکزی جهت سرمایه گذاری در حوزه شرکت های دانش بنیان، بانک ها می توانند در این حوزه سرمایه گذاری وارد شوند.

۳-۲- وجود ناهمبستگی و تعارض در اهداف سازمانی بانک ها به عنوان یک نهاد مالی انتفاعی و سیاست های اقتصاد مقاومتی

یکی از مهم ترین موانع در حوزه سرمایه گذاری بانک ها، وجود تعارضات و ناهمراستی هایی بین اهداف و سیاست های اقتصاد مقاومتی با چگونگی چینش استراتژی های سودآوری بانک است. با مدنظر داشتن هدف اصلی بانک ها به عنوان یک نهاد انتفاعی یعنی تحقق منافع بانک در حد مطلوب (سودآوری و ثروت آفرینی)، سرمایه گذاری در برخی از طرح ها و صنایع از نظر بانک به صرفه نخواهد بود.

پایین بودن میزان نرخ بازده داخلی نسبت به سطح تورم، غیرقابل پیش بینی بودن و عدم شفافیت آن، افزایش دوره بازگشت سرمایه، بی ثباتی اقتصادی و افزایش میزان ریسک نکول، موجب می شود تا بانک ها با دقت و وسواس بیشتری به حوزه های سرمایه گذاری پرخطر وارد شوند. در این مورد لازم است آسیب شناسی جامعی از آسیب های احتمالی حاصل از ورود بانک به حوزه های مختلف اقتصادی صورت پذیرد.

۳-۳- افزایش ریسک بانک ها در پی افزایش حوزه فعالیت آن ها

ورود بانک ها به بازارهای جدید به خودی خود موجب افزایش ریسک آن خواهد شد. اما برخی بازارها به دلیل ویژگی های خاص خود، ریسک بیشتری را به بانک تحمیل می کنند. به عنوان مثال ورود به بازار صنایع غذایی و صنایع دارویی نوع خاصی از ریسک را به رقبا جدید تحمیل می نماید؛ منشأ این نوع ریسک وجود رانتهای قوی موجود در آن بازار خاص است که عملاً از ورود هر نوع رقیبی جلوگیری نموده و ریسک سرمایه گذاری در آن بازار را بسیار افزایش می دهد.

۳-۴- وجود بانک های تخصصی در حوزه های زیرساختی و عمرانی و نبود توجه ورود بانک های تجاری به این عرصه

مسئله مهم دیگری که در رابطه با بحث سرمایه گذاری و اعطای تسهیلات بانک ها مطرح می شود، ماهیت فعالیت و نوع کارکرد آن هاست. به طوری که وجود بانک های تخصصی در حوزه های زیرساختی و عمرانی و تخصیص بودجه لازم در این حوزه به آن ها، ورود بانک های تجاری به چنین عرصه هایی بدون توجه می نماید. البته در این مورد می توان با توجه به میزان نیاز و اهمیت موضوعات مطروحه استثنائاتی قائل شد. بدین ترتیب در صورت لزوم و در بخش های خاص، بنابر صلاح دید مسئولان کشور و با تأیید بانک مرکزی، بانک های تجاری نیز می توانند نقش هایی را در پروژه های عمرانی و زیرساختی بپذیرند. البته در چنین وضعیتی نیاز به تضمین و پذیرش آسیب های احتمالی ناشی از آن توسط دولت وجود دارد.

۴- موانع و محدودیت های اجرای سیاست های اقتصاد مقاومتی در بانک ها از منظر کارشناسان حوزه برنامه ریزی و نظارت اعتباری^۸

اغلب بندهای ۲۴ گانه سیاست ابلاغی اقتصاد مقاومتی، به نوعی متضمن نقش بانک ها در تحقق سیاست های مذکور می باشند؛ از این میان می توان به مواردی مانند رفع چالش های اشتغال و توسعه کارآفرینی با تأکید بر اعطای تسهیلات به اقشار آسیب پذیر، حمایت مالی از صنایع دانش بنیان، تصحیح سیاست های بازرگانی از طریق حمایت از صادرات چه در قالب اعطای تسهیلات به صنایع صادرات محور و چه به صورت ارائه خدمات ارزی مانند بروات ارزی و اعتبارات اسنادی، دستیابی به خودکفایی در بخش غذا و درمان از طریق ارائه تسهیلات به صنایع فعال در این حوزه، حمایت مالی از صنایع زیرساختی مانند نفت و گاز و ... اشاره نمود. از سوی دیگر باید توجه داشت که موفقیت بانک ها برای تامین اعتبار و تامین مالی مورد نیاز صنایع و پروژه ها، نیازمند وجود برخی هماهنگی ها میان نهادهای ناظر و قانون گذار با بانک ها می باشد. بر اساس بررسی های انجام شده، مهم ترین موانع و کاستی هایی که در این رابطه وجود دارد، عبارتند از:

۴-۱- تغییر نامناسب دستورالعمل‌های مربوط به اعطای اعتبارات اسنادی

در سال‌های گذشته، دستورالعمل اعتبارات اسنادی کمک زیادی به متعاملین (خریداران و فروشندگان) می‌کرد. در روال سابق، خریداران به صورت نسبه خرید کرده و پس از فروش کالا، وجه مربوطه را به فروشنده پرداخت می‌کردند. اما بانک مرکزی اخیراً به‌منظور جلوگیری از برخی سوءاستفاده‌های احتمالی از اعتبارات اسنادی، تغییراتی را بدون توجه به زیرساخت‌های موردنیاز، در دستورالعمل‌های اعتبارات اسنادی، اعمال نموده است. به‌طوری‌که نوع عقد، از عقد جعاله یا مشارکت به مرابحه و استصناع تغییر یافته و این مسئله، به دلیل کاهش سهولت و افزایش پیچیدگی در فرآیند صدور اعتبارات اسنادی، سبب کاهش جذابیت گشایش اعتبار اسنادی از سوی مشتریان شده است. همچنین دستورالعمل ابلاغی جدید دارای ضعف‌های عمده‌ای از جمله موارد ذیل است:

- فراهم نبودن بسترهای سامانه‌ای مناسب و قوی
- وجود ابهاماتی از قبیل شفاف نبودن درآمد و کارمزد و تغییر نوع قراردادهای مورد استفاده در دستورالعمل جدید
- پیچیده بودن فرآیند اعطای اعتبار اسنادی

با توجه به مشکلاتی که در این رابطه به وجود آمده و ضعف‌های موجود در دستورالعمل جدید اعطای اعتبارات اسنادی، پیشنهاد می‌شود به منظور رفع این مشکلات، مکانیزم اعطای اعتبارات اسنادی ریالی به صورت الکترونیکی درآمد و از مکانیزم تجارت الکترونیک داخلی ریالی استفاده شود. در چنین مکانیزمی از میزان بوروکراسی و کاغذبازی در اعطای اعتبارات اسنادی کاسته شده و بر دقت و سرعت آن افزوده خواهد شد. بدین ترتیب پس از فراهم شدن زیرساخت‌های مورد نیاز، اعطای اعتبارات اسنادی به صورت اینترنتی صورت گیرد. لذا شفافیت اطلاعاتی، نظارت و فرآیند، تسهیل خواهد شد.

۴-۲- لزوم افزایش حدود اختیارات بانک‌ها در موضوعات مربوط به اعطای تسهیلات

- با توجه به متنوع بودن نیاز مشتریان و لزوم ارائه خدمات متفاوت به آن‌ها از جانب بانک‌ها لازم است حدود اختیارات و حوزه تصمیم‌گیری بانک‌ها افزایش یابد. به عنوان نمونه آزادسازی نرخ تسهیلات و سقف اعتبار کارت‌های اعتباری از جمله مواردی است که در صورت تفویض اختیار آن به بانک‌ها، کیفیت ارائه خدمات به مشتریان را بهبود می‌بخشد.
- یکی از مشکلات پیش‌روی بخش اعتباری، الزام استفاده از نمونه قراردادهای ابلاغ شده از سوی بانک مرکزی می‌باشد که بدون توجه به ویژگی‌های خاص مشتریان طراحی شده و سبب محدود کردن حوزه اختیارات بانک‌ها خواهد شد. لذا می‌بایست با توجه به ماهیت و اعتبار تخصیصی به مشتریان مختلف اختیار تغییر قراردادهای بانک‌ها واگذار شود.

۴-۳- عدم ارائه راهکار اساسی و جامع جهت تعیین تکلیف مطالبات غیرجاری از سوی مراجع ذیصلاح

- یکی از معضلات سیستم بانکی، وصول مطالبات می‌باشد که نیاز است به منظور رفع این مشکل و حمایت از سیستم بانکی، دولت و بانک مرکزی تمهیداتی از قبیل حمایت قانونی از شرکت‌های وصول مطالبات را اتخاذ کنند.
- موضوع مطرح دیگر در رابطه با مطالبات غیرجاری، مدت زمان انتقال مطالبات از یک طبقه به طبقه دیگر و اثرگذاری آن بر حساب‌ها، محاسبات و آمارهای مالی بانک است. به عبارت دیگر، براساس طبقه‌بندی مطالبات غیرجاری، زمان انتقال مطالبات معوق به مشکوک‌الوصول، ۱۸ ماه می‌باشد که با توجه به طولانی بودن این مدت، مشکلاتی در وصول مطالبات ایجاد خواهد شد، لذا لازم است به منظور رفع این مشکل، تغییراتی در طول مدت انتقال دارائی‌های طبقات غیرجاری صورت گیرد.
- موضوع دیگری که منابع در دسترس بانک‌ها را محدود می‌نماید، تسهیلات اعطایی به بخش‌های دولتی است که هرگز در سرفصل مطالبات غیرجاری وارد نمی‌شود و صد در صد آن ذخیره‌گیری می‌گردد. بنابراین یکی از راه‌های حمایت دولت و بانک مرکزی از سیستم بانکی، اجازه استفاده از این دسته از منابع ریالی نزد بانک‌هاست.

۴-۴- نبود شرکت‌های رتبه‌بندی و زیرساخت‌های مناسب جهت تمام الکترونیک کردن اعطای تسهیلات جهت تسریع در**روند فعالیت‌های بانکداری**

- یکی از کاستی‌های اساسی در نظام بانکی کشور، فقدان شرکت‌های رتبه‌بندی است. وجود شرکت‌های رتبه‌بندی، به شفاف‌سازی اطلاعات و تعیین رتبه اعتباری بانک‌ها و مشتریان کمک شایان توجهی می‌کند و در شناسایی مشتریان معتبر و ارائه تسهیلات و خدمات به آن‌ها بسیار مؤثر خواهد بود. بدین ترتیب می‌توان از شدت افزایش میزان مطالبات غیرجاری در آینده کاست.
- تقویت امضای الکترونیک یا گواهی نماد، یکی از الزاماتی است که مشکل طولانی بودن فرآیند اعطای تسهیلات را رفع خواهد کرد. به عبارت دیگر امضای الکترونیک، این قابلیت را برای بانک ایجاد می‌کند که تسهیلات، به صورت اینترنتی و آنی اعطا شود.

به این معنا که پس از اثبات اهلیت و ظرفیت اعتباری مشتری، متقاضی بدون مراجعه به شعبه، قرارداد را به صورت الکترونیک امضا کرده و تسهیلات تایید شده به حساب وی واریز می‌شود.

بدیهی است توجه به نکات فوق الذکر، علاوه بر تسهیل فرایند اعتباردهی در بانکها، موجبات رضایت مندی مشتریان را به همراه خواهد داشت.

۵- موانع اجرای سیاست‌های اقتصاد مقاومتی در بانک‌ها از منظر کارشناسان حوزه بازرسی و نظارت^۹

امروزه اهمیت شفافیت در حوزه‌های مختلف، در جلوگیری از فساد و اصلاح روابط اقتصادی و سیاسی بر کسی پوشیده نیست. شفافیت، هزینه‌های معاملاتی را کاهش داده و موجب بهبود روابط اقتصادی می‌گردد. یکی از حوزه‌های بسیار مهم در شفافیت اقتصادی و مالی، شفافیت در حوزه بانکی است؛ چرا که بانک‌ها یکی از اصلی‌ترین ارکان اقتصادی یک کشور محسوب می‌شوند. بدین منظور، حفظ سلامت و ثبات بانک‌ها و همچنین نقش مهم آن‌ها در هدایت اقتصاد کشور، نیازمند شفافیت مناسب در بانک‌ها می‌باشد؛ زیرا شفافیت ضعیف، ریسک دارایی بانک‌ها را با ابهام روبرو می‌سازد (Hyytinen and Takalo, 2002). بدون شفافیت مالی، پاسخ‌گویی بانک‌ها به شدت محدود خواهد شد. بدین‌منظور، مقام‌های مقررات‌گذار و ناظر، در بسیاری از کشورها، از مدت‌ها پیش با تصویب مقررات مختلف، در صدد تحقق هرچه بیش‌تر این مهم بوده‌اند. در کشور ما نیز اهمیت این مساله تا حدی است که مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در بند نوزدهم سیاست‌های ۲۴گانه اقتصاد مقاومتی، صراحتاً به الزام شفاف‌سازی اقتصاد و سالم‌سازی آن و جلوگیری از اقدامات، فعالیت‌ها و زمینه‌های فسادزا در حوزه‌های پولی، تجاری، ارزی و... اشاره نموده‌اند.

به عبارت دیگر، یکی از حساس‌ترین وظایف سیستم مالی و بالخصوص شبکه بانکی هر کشوری، نظارت بر حسن اجرای فعالیت‌های بانکی، نحوه خدمت رسانی به مشتریان و رعایت قانون و مقررات مربوطه توسط کارکنان به جهت به حداقل رساندن میزان خطاهای سیستمی و انسانی و همچنین جلوگیری از هرگونه سوءاستفاده‌های محتمل است. کما اینکه در سال‌های اخیر بروز برخی مشکلات ناشی از ضعف نظارت که سوءاستفاده‌های کلان مالی در سطح شبکه بانکی را به همراه داشته است؛ باعث بروز برخی مشکلات برای بانک‌ها شده است. با توجه به حساسیت بالای این موضوع، بررسی نقطه نظرات کارشناسان حوزه بازرسی و نظارت جهت شناسایی چالش‌های قانونی و ساختاری موجود که مانع تحقق این بخش از اهداف سیاست‌های ابلاغی اقتصاد مقاومتی می‌گردند؛ در دستور کار قرار گرفت. بر این اساس بررسی‌های به‌عمل آمده، مهم‌ترین موانع و کاستی‌های موجود در این بخش، عبارت است از:

۵-۱- نقش پررنگ واسطه‌ها در تأمین اعتبار مشتریان بانکی و دشواری نظارت بر آن‌ها و طولانی شدن فرآیند

- یکی از معضلات سیستم بانکی جهت حمایت از صادرات، نقش پررنگ واسطه‌ها در اعطای اعتبارات اسنادی می‌باشد که مشکلاتی را برای بانک‌ها به همراه دارد. به عبارت دیگر مشتریانی که مدارک و مستندات آن‌ها غیرمعتبر و ناقص است از طریق واسطه‌ها اقدام به گشایش اعتبار نموده و در مقابل درصدی از مبلغ اعتبار را به واسطه مذکور پرداخت می‌نمایند. این مساله علاوه بر این که هزینه دریافت اعتبار اسنادی برای مشتری را افزایش خواهد داد؛ افزایش ریسک اعتباری برای بانک را نیز به همراه دارد.
- علاوه بر آن، طولانی بودن فرآیند اعطای اعتبار، منجر به کاهش جذابیت اعتبارات اسنادی برای مشتریان شده است. بدین دلیل جهت تسریع فرآیند، می‌توان سامانه‌ای طراحی کرد که کلیه مراحل اعطای اعتبار اسنادی به صورت سیستمی انجام شود که سهولت نظارت را نیز به همراه دارد.

۵-۲- لزوم تقویت زیرساخت‌های نظارتی جهت پایش و نظارت بر مجموعه شبکه بانکی

- ایجاد سامانه‌های متمرکز و فراهم کردن ابزارهای نظارتی در خصوص رعایت سقف نرخ سود سپرده‌ها، صدور اعتبارات اسنادی، مساله ذی نفع واحد و اعتبارسنجی مشتریان یکی دیگر از الزاماتی می‌باشد که در تحقق سیاست‌های مد نظر اقتصاد مقاومتی موثر است.
- یکی از مشکلات مرسوم در حوزه بانکداری و تجارت، جعل برگ سبز گمرک توسط مشتریان است. در این مورد به دلیل عدم وجود امکانات کافی جهت شناسایی مدارک جعل شده، میزان تخلفات صورت گرفته بسیار زیاد است. به همین دلیل می‌بایست راهکارهای جدی جهت مقابله با این وضعیت در نظر گرفته شود. البته در سال جاری بانک مرکزی با حذف فیزیک برگ سبز و لزوم دریافت آن تنها از سامانه‌های گمرک و وزارت دارایی امکان جعل آن را کاهش داده است.
- یکی از راه‌های بهبود نظارت، تمرکز بیش‌تر بر بانکداری الکترونیک و تقویت نظارت الکترونیک در شبکه بانکی است. به عبارت دیگر امروزه نظارت سنتی جوابگوی حجم بالای فعالیت‌ها نیست. لذا لازم است با طراحی سیستم‌های نظارتی مبتنی بر هوش مصنوعی و داده کاوی نظیر کشف تقلب، چک برگشتی، مالیات و ترهین، برخی از محدودیت‌های نظارت و بازرسی

- رفع شود. برای مثال سامانه‌ای طراحی شود که قابلیت بررسی مشتری از منظر چک برگشتی و پرداخت مالیات را داشته باشد و در صورت وجود موارد مذکور اعطای اعتبار به متقاضی صورت نگیرد.
- از دیگر الزامات شبکه بانکی، کارشناسی دقیق طرح‌ها و نظارت بر محل مصرف منابع تخصیص داده شده به طرح‌ها و مشتریان می‌باشد. به عبارت دیگر تخصیص اعتبار به صورت مرحله به مرحله و پس از تایید و بازدید کارشناسان مربوطه صورت گیرد.
 - بحث ذی نفع واحد یکی از موارد مهمی است که معضلاتی را برای شبکه بانکی ایجاد کرده است. در این مورد شرکت‌هایی که وجود خارجی نداشته و در اصطلاح شرکت‌های کاغذی نامیده می‌شوند، به منظور تأمین اعتبار از بانک‌ها تسهیلاتی با رقم‌های کلان دریافت کرده و میلیارد‌ها ریال پول را از بانک‌ها خارج کرده‌اند. جهت جلوگیری از چنین رخدادهایی لازم است به بحث ذی‌نفع واحد در قوانین و مقررات بانکی بیشتر پرداخته شود و مکانیزم‌های قوی جهت بررسی و شناسایی مشتریان و مشخصات آن‌ها ایجاد گردد.

۵-۳- تکلیف دولت به بانک‌ها جهت ارائه خدمات خاص بدون در نظر گرفتن تبعات و اثرات آن

- یکی دیگر از موانع تحقق اقتصاد مقاومتی در سیستم بانکی، تسهیلات تکلیفی ابلاغی از سوی دولت به بانک‌ها می‌باشد که مشکلاتی را برای شبکه بانکی ایجاد کرده است. برای مثال مشتری تسهیلات مربوطه را به جای تخصیص در حوزه‌های تولیدی و ارزش آفرین از قبیل کشاورزی، صرف اهداف شخصی می‌کند؛ لذا نیاز است دولت، در این مورد، اصلاحاتی انجام داده تا اختیار سیستم بانکی جهت تخصیص اعتبار به حوزه‌های مولد و زیرساختی افزایش یابد.
- جهت سهولت نظارت بر تخصیص اعتبار به مشتریان مورد نظر سیاست‌های اقتصاد مقاومتی، ابزارها و معیارهای دقیقی جهت شناسایی گروه هدف دریافت کننده تسهیلات، به ویژه اقشار آسیب‌پذیر و کم درآمد، تدوین و به شبکه بانکی ابلاغ گردد.

۵-۴- لزوم توسعه زیرساخت‌ها و توانمندی کارکنان بانک‌ها در حوزه بازرسی و نظارت

- انجام اقدامات پیشگیرانه از قبیل آموزش پرسنل، یکی دیگر از الزاماتی می‌باشد که می‌تواند اثرات قابل توجهی در مسیر تحقق اقتصاد مقاومتی داشته باشد.
- با وجود اینکه در سال‌های اخیر فعالیت ارزی شبکه بانکی به دلیل تحریم‌ها کاهش یافته بود، اما با توجه به ورود به دوران پساتحریم لازم است، در حوزه خدمات ارزی، آموزش‌های لازم به کارمندان بخش ارزی جهت افزایش توانمندی‌ها و هوشیاری آنان در رابطه با شناسایی روش‌های ارتکاب جرم در فعالیت‌های متنوع ارزی، داده شود.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

همانگونه که بیان گردید؛ تحقق سیاست‌های اقتصاد مقاومتی بدون توجه ویژه به جایگاه و نقش صنعت بانکداری امکان‌پذیر نمی‌باشد. بانک‌ها هم به‌طور مستقیم و هم به‌طور غیر مستقیم در تحقق سیاست‌های اقتصاد مقاومتی نقش دارند. بانک‌ها باید علاوه بر مقاوم‌سازی ساختار اقتصادی کشور از طریق افزایش تاب‌آوری در مقابل شوک‌های خارجی و شفاف‌سازی فرآیندهای بانکی و مالی، از طریق هدایت منابع مالی لازم به سمت گروه‌ها و صنایع دارای اولویت در خودکفایی اقتصادی کشور، زمینه تحقق اقتصاد مقاومتی را فراهم آورند. لذا باید ضمن درک جایگاه خطیر خود در پیاده‌سازی اقتصاد مقاومتی در کشور، از برنامه اجرایی جهت دستیابی به آن برخوردار باشند.

ولی در عمل وجود برخی موانع قانونی و ساختاریافته و یا نیاز به برخورداری از برخی الزامات، تا حدودی از اجرا و پیاده‌سازی مطلوب برنامه‌های مدنظر بانک‌ها جلوگیری می‌نماید. که مجموعه‌ای از عوامل ساختاری و قانونی مذکور به تفکیک در حوزه‌های بین‌الملل، سرمایه‌گذاری، اعتباری و بازرسی و نظارت بانک‌ها به تفصیل ارائه شد.

بدیهی است با توجه به بلندمدت بودن سیاست‌های مدنظر اقتصاد مقاومتی، اندیشین تمهیداتی جهت ایجاد فضای مناسب جهت فعالیت موثر و کارای بانک‌ها ضروری به نظر می‌رسد که در سایه همکاری دولت، بانک مرکزی و خود بانک‌ها قابل دستیابی خواهد بود.

یادداشت‌ها

1- Resistive Econom

۲ و ۳- مطابق با بند یک و دوی سیاست‌های اقتصاد مقاومتی مبنی بر تأمین شرایط و فعالسازی کلیه امکانات و منابع مالی و سرمایه‌های انسانی و علمی کشور به منظور توسعه کارآفرینی و پویاترین اقتصاد دانش بنیان، پیاده‌سازی و اجرای نقشه جامع علمی کشور و ساماندهی نظام ملی نوآوری

۴- برداشت کلی از مجموعه سیاست‌های اقتصاد مقاومتی

۵- مطابق با بندهای پنجم و ششم مجموعه سیاست‌های اقتصاد مقاومتی مبنی بر افزایش تولید داخلی نهاده‌ها و کالاهای اساسی (به‌ویژه در اقلام وارداتی)، و اولویت دادن به تولید محصولات و خدمات راهبردی و تأمین امنیت غذا و درمان و ایجاد ذخایر راهبردی با تأکید بر افزایش کمی و کیفی تولید (مواد اولیه و کالا)

6- Vulnerability

۷- این بخش از مقاله نتیجه نشست با خبرگان حوزه سرمایه‌گذاری بانک ملت می‌باشد.

۸- این بخش از مقاله نتیجه نشست با خبرگان حوزه اعتباری بانک ملت می‌باشد.

۹- این بخش از مقاله نتیجه نشست با خبرگان حوزه بازرسی بانک ملت می‌باشد.

منابع و مراجع

سیف، ولی‌الله، (۱۳۹۳)، سخنرانی در میزگرد اصلاح نظام مالی، اتاق بازرگانی ایران.

غیاثوند، ابوالفضل، عبدالشاه، فاطمه، (۱۳۹۴)، مفهوم و ارزیابی تاب آوری اقتصاد ایران. فصلنامه پژوهشنامه اقتصادی. ش ۵۹. صفحات

۱۸۷-۱۶۱.

بهشتی لنگرودی، احمد. ۱۳۹۱. نقش حاکمیت شرکتی در پیشگیری از بحران مالی و حفظ سلامت نظام بانکی.

نجفی علمی، محمد مهدی. ۱۳۹۴، درآمدی بر شفافیت بانکی، مطالعه موردی بخشنامه مصوب شفافیت و انتشار عمومی اطلاعات بانک مرکزی (ویرایش اول). مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.

HYYTINEN, ARI and TAKALO, TUOMAS, Enhancing Bank Transparency: A Re-assessment, Kluwer Academic Publishers, Printed in the Netherlands, European Finance Review 6: 429-445, 200.